

تحلیل جرم‌شناختی تمرد نسبت به مأمورین نیروی انتظامی

احمدرضا استوار^۱، رحمان محمدی^۲

چکیده

حفظ اقتدار دولت و فراهم کردن امکانات و شرایط لازم برای مأموران به انجام مأموریت‌های محوله از شرایط اعمال حاکمیت است. نافرمانی افراد در برابر مأموران تحت هر یک از عناوین «حمله یا مقاومت» در حقوق کیفری ایران با شرایطی موجب تحقق جرم تمرد است. یکی از شرایط اساسی لازم برای تحقق این جرم، در حال انجام وظیفه بودن مامور دولت است. مأموران مذکور چنانچه در حدود وظایف محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمال‌شان قانونی است و حمله به آنها یا مقاومت در برابر آنان در این حالت، تمرد محسوب می‌شود؛ اگر خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمال‌شان غیرقانونی است. در این فرض در مورد مقاومت در برابر آنها اختلاف عقیده بسیار است. برخی معتقدند که مقاومت در برابر اینگونه اعمال قانونی، بطور مطلق جایز است و در مقابل، بعضی عقیده دارند که هرگونه مقاومتی در مقابل مأموران دولت، حتی اگر عمل آنان خلاف قانون باشد، صحیح نیست عده‌ای نیز راه میانه را برگزیده، بین موارد مختلف، فرق قائل شده‌اند. قانون و رویه قضایی ایران، متمایل به نظریه سوم است. در حقوق کیفری ایران، مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت، نه تنها تمرد به حساب نمی‌آید، بلکه در برخی موارد با جمع شرایط، عنوان دفاع مشروع پیدا می‌نماید. همچنین تعرض به مأمورین انتظامی علل‌های حقوقی، جرم‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... دارد. قوانین فعلی دارای خلاء می‌باشد که لازم است باتوجه به راهکارهای پیشگیرانه از جمله اصلاح ماده ۶۰۷ و ۶۰۹ ق.م.ا و افزایش مجازات در موارد فوق صورت گیرد.

واژگان کلیدی: تمرد، توهین، معافیت از کیفر، دفاع مشروع، نیروی انتظامی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز ahmadrezaostovar@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس

مقدمه

اساسی‌ترین رکن بقای یک جامعه نظم است و جرم واکنشی علیه آن به حساب می‌آید؛ از طرفی دولت مسئول حفظ نظامات جامعه و مأموران دولت مسئولیت اجرای آن را به‌عهده دارند. در این راستا باید زمینه اجرای مقررات برای مأمور فراهم باشد و چنانچه مأمور دولت نتواند وظایفی که برعهده اوست انجام دهد این مهم تحقق نخواهد یافت و به همین خاطر هرگونه مخالفت و سرپیچی از مأموران دولتی باید بعنوان جرم تلقی شود و از این راه زمینه اجرای مقررات دولتی فراهم گردد. مردم بطور کلی از این موضوع غافل‌اند که مأمور دولت به اختیار خود آنها را اعمال قانون نمی‌کند و مأمور در اجرای وظیفه معذور است؛ اما با وجود این، در برابر مأمور مقاومت کرده یا به شخصیت وی توهین می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت، یکی از جرائم شایع در برابر مأموران در حین انجام وظیفه، توهین از سوی افراد به آنهاست.

ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) این موضوع را جرم دانسته و آورده است، «هرکس با توجه به سمت ... کارکنان وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود».

۲۴ اولین قانون جزای ایران که ترمرد را بعنوان جرم عمومی مطرح کرد قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه.ش در مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ بود، سپس در سال ۱۳۵۰ قانونگذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح به سبب اهمیت جرم قاچاق اسلحه، ترمرد قاچاقچیان اسلحه را تابع قانون خاص قرار داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ قانون تعزیرات تصویب شد که مواد ۸۴ و ۸۵ آن مربوط به جرم ترمرد بود، با انقضای اعتبار قانون اخیر، قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید که ماده ۶۰۷ و تبصره آن به جرم ترمرد اختصاص یافت (شاکری و رستگاری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). مأموران رسمی، دولتی، انتظامی و نظامی در حین انجام وظیفه در پناه قانون هستند و بر همه آحاد ملت واجب است با آنها در اجرای قانون همکاری کرده و از اقدام علیه آنها پرهیز کنند؛ این در شرایطی است که اگر مأمور از حدود قانون خارج شود، دیگر نیازی به تبعیت از وی وجود ندارد و حتی در برابر رفتار غیرقانونی وی می‌توان مقاومت کرد؛ اما تا زمانیکه دستورها و رفتار مأموران در حدود مقررات و قوانین است، هیچ دلیلی مبنی بر ترمرد از آنها وجود نداشته و هرگونه مقاومت اعم از توهین یا ضرب، شتم یا جرح مأمور، جرم بوده و مستوجب مجازات است. مأموران دولت (اعم از کارمندان و مأموران انتظامی) در حین انجام وظیفه از مصونیت برخوردارند و همگان باید برای اجرای قانون با آنها همکاری کنند. براساس ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، ترمرد محسوب می‌شود»، در واقع قانونگذار با تعریف ترمرد از مأموران دولتی، همگان را به

اطاعت از آنها در اجرای قانون، تشویق کرده و البته در ادامه این ماده قانونی، مجازات «ترمرد از مأمورین دولتی» را اعلام کرده که براساس آن «۱- هرگاه متمرمد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دو سال، ۲- هرگاه متمرمد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال، ۳- در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال» محکوم خواهد شد. از آنجائیکه ترمرد از دستور مأموران ممکن است با جرائم دیگری نظیر توهین یا ضرب و جرح مأمور همراه شود، قانونگذار در تبصره ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است که «اگر متمرمد در هنگام ترمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد».

هیچکس در هیچ مقام و جایگاهی حق ندارد، جزء در مواردی که طبق قانون دفاع مشروع دانسته شده است، اقدام به درگیری یا ضرب و جرح دیگران کند. هرگونه اقدام به حمله یا ضرب و جرح دیگران، ممنوع بوده و چنانچه موجب سرخی، کبودی، شکستگی یا جرح فرد شود، علاوه بر مجازات، مستوجب پرداخت دیه هم است. در ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) در این خصوص ابتدا به ذکر موارد ضرب و جرح پرداخته و آورده است، «هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد». در ابتدا آن را مستوجب قصاص دانسته است و در ادامه تأکید کرده، «در مواردی که ۲۵ قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد». البته قانونگذار از جنبه خصوصی جرم هم غافل نبوده و گفته است که «در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود». در موضوع گفته شده، هرچند هرگونه ضرب و جرح نسبت به هرکدام از احاد جامعه ممکن است رخ بدهد اما بطور کلی اگر ضرب و جرح نسبت به مأموران دولتی و آن هم در حین انجام وظیفه باشد، بالتبع، اختلال در نظم و امنیت جامعه تلقی می‌شود و قانون به سادگی نمی‌تواند از کنار آن رد شود و همانطور که گفته شده، قانونگذار چنین رفتاری را مشمول مجازات زیادی دانسته است.

۱- مبانی نظری

نظریه‌هایی که در مورد مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت مطرح شده است: همانطور که در مبحث اطاعت مأمور از مقام مافوق در سلسله مراتب اداری نظرهای مختلفی مطرح شده است در مورد اطاعت افراد جامعه از مأموران دولتی هم اختلاف نظر است و تئوری‌های مختلفی وجود دارد.

در قوانین اساسی ۱۷۹۱ و ۱۷۹۳ میلادی فرانسه، تحت تاثیر افکار آزادی خواهانه قرن هجدهم، حق مقاومت و دفاع افراد مردم در مقابل اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی ماموران دولت، به صراحت پیش‌بینی شده بود. در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۷۹۳ نیز آمده است: «هر عملی که خارج از حدود و ترتیبات قانونی اجرا شود، مستبدانه و ظالمانه است و کسی که چنین عملی علیه او اجرا می‌شود، حق مقاومت و دفع و رد آن عمل را با قوه قهریه دارا است». این ماده مبنای توجیه مقاومت در مقابل اعمال خلاف قانون ماموران دولت در همه کشورها از جمله در لبنان است که در ماده ۳۷۹ قانون مجازات مجوز دفاع را با رعایت برخی شرایط برای کسی که مورد تهاجم غیرقانونی مامور دولت قرار می‌گیرد صادر کرده است. این اجازه در ماده ۲۱۲ قانون مجازات مصر نیز وجود دارد.

در قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه از نقل ماده فوق خودداری شد و ماده ۲۰۹ آن، هرگونه حمله و مقاومتی که با عنف و تجری نسبت به مامورانی که برای قانون و اوامر و احکام مقامات قانونی اقدام می‌کردند، به عمل می‌آمد، تحت عنوان تمرد، جرم شناخته شد. سکوت ماده ۲۰۹ قانونی جزای ۱۸۱۰ فرانسه، موجب بروز اختلاف نظر بین حقوقدانان آن کشور و ارائه نظریه‌های مختلف گردیده که بطور اجمال به آنها اشاره می‌گردد.

۱-۱- نظریه مقاومت مطلق

این نظریه متعلق به آرمان کارل حقوقدانان فرانسوی است وی در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۸۲۳ میلادی در روزنامه لونسایونال، مقاله‌ای نوشت و در آن اظهار نظر کرد که مردم حق دارند در مقابل اقدامات خلاف قانون ماموران دولتی، مقاومت و دفاع کنند. استناد او مخصوصاً به ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۷۹۳ میلادی بود که به موجب آن هر عملی که خارج از حدود و ترتیبات قانونی اجرا شود، مستبدانه و ظالمانه است و کسی که چنین عملی علیه او اجرا می‌شود، حق مقاومت و دفع و رد آن را قوه قهریه، دارا است. پس از انتشار این مقاله، وی به اتهام تحریک به مقاومت در مقابل قوای عمومی و نافرمانی در برابر قانون، در دادگاه جنایی پاریس، تحت محاکمه قرار گرفت، ولی هیات منصفه دادگاه، رای بر براءت وی داد. برطبق نظریه او، ثابت شود ماموران و مقامات دولتی، حق اجرای عملی را که مرتکب در مقابل آن مقاومت کرده است نداشته‌اند یا اینکه عمل‌شان از حیث رعایت ترتیبات، با قانون منطبق نبوده، اقدامات مرتکب، تمرد محسوب نمی‌شود.

گارو از طرفداران این نظریه، عقیده دارد که مقاومت در برابر حمله نامشروع ماموران دولت، بطور مطلق جایز است و در این خصوص می‌گوید: «در حقیقت آنچه جرم تمرد را به وجود می‌آورد، نافرمانی و بی‌اعتنایی نسبت به قانون است و اعمال قدرت در برابر ماموران دولت، وسیله بروز تظاهر این نافرمانی و بی‌اعتنایی است. پس وقتی مامور دولت قانون را اجرا نمی‌کند و از حدود وظیفه خود خارج می‌شود یا از آن سوء استفاده می‌کند، مرتکب عمل خودسرانه‌ای به ضرر شخص شده است و در نتیجه، وقتی شخص در برابر او ایستادگی

می‌کند، در واقع در مقابل «نقض قانون» مقاومت کرده، نه در مقابل «اجرای قانون»؛ و چنین مقاومتی نه فقط جرم نیست بلکه کاملاً مشروع است».

۱-۲- نظریه اطاعت مطلق

نظریه اطاعت مطلق، نقطه مقابل نظریه مقاومت مطلق است عده‌ای از حقوقدانان فرانسوی از جمله پواتون برخلاف آرمان کارن، معتقدند که مقاومت در برابر مأمور دولت که در مقام اجرای قانون است ولو اینکه مأمور از حدود وظیفه خود خارج شده و رعایت ترتیبات مقرر را نکرده باشد یا حتی مرتکب جرم شده باشد، جایز نیست و موجب تحقق بزه ترمرد می‌شود بطور خلاصه، افراد صلاحیت تشخیص غیرقانونی بودن اعمال مأموران را ندارند و به این عنوان نباید قاضی اعمال خود شده، و مانع اجرای وظایف مأموران شوند. براساس این نظریه که مبتنی بر اطاعت مطلق و بی‌چون و چرای اوامر مقام بالاتر است، اجرای یک دستور حتی غیرقانونی، در هر نوع شرایطی، عاملی موجه برای ماور تلقی می‌شود (گلدوزیان(الف)، ۱۳۸۵: ۲۸۸). همچنین اقدامات مأموران دولت در هر مورد که مداخله آنان بعنوان قصد انجام وظیفه باشد، محول بر صحت بوده، منطبق با قانون است. البته اثبات خلاف آن بعداً مجاز است و مأمور متخلف تعقیب و مجازات خواهد شد؛ ولی مردم حق مقاومت یا دفاع در مقابل آنان را ندارند والا انجام وظیفه از طرف مأموران دولتی اگر محل نگردد لاقلاً مشکل‌تر خواهد شد. به عبارت دیگر، وظیفه مردم اطاعت مطلق و تمکین از اوامر مأموران دولت است و در صورتی که عمل مأموران موجب خسارت یا تضمین جرمی باشد، می‌توانند بعداً شکایت کنند و مأمور متخلف نیز مسئول اقدام خلاف قانون خود است. البته در مواردی که غیرقانونی بودن عمل مأموران دولتی به آن درجه از وضوح و بداهت باشد که به آن نتوان اجرای وظیفه و قانون داد، حتی طرفداران این نظریه، حق مقاومت و دفاع را برای افراد شناخته‌اند و اقدام مرتکب در دفع عمل غیرقانونی علنی و بین مأموران را جرم ترمرد تلقی نکرده‌اند. ارائه مثالی در مورد تعرض به عرض و ناموس مردمان، بهتر می‌تواند موید صحت این نظر باشد. فرض کنیم مأمور گمرک - برای مثال در کشور فرانسه - به بهانه بازرسی بدنی زنی، خود را به او نزدیک کرده، تماس‌های غیرمستعارف و منافی عفت با او ایجاد و حتی واقعاً تجاوز به وی را قصد کند در این حالت هیچکس نمی‌تواند به عذر آنکه مرتکب، مأمور دولت و در حین انجام وظیفه است، حق مقاومت و دفاع برای زن قائل نباشد» در حقیقت او را به تسلیم در مقابل امیال شهوانی مأمور ناپاک محکوم کند.

۱-۳- نظریه مختلط

نظریه مقاومت مطلق، با حفظ انتظامات و سیاست قضایی و مصالح جامعه سازگار نبوده و نظریه اطاعت مطلق، دور از عدالت و منطبق به نظر می‌رسید؛ چرا مردم به امید شکایت و تعقیب بعدی، مجبور به تمکین در مقابل

اعمال مجرمانه ماموران بودند. از طرفی معقول و موجه نبوده که دادگاه هم مامور خاطی را که از حدود وظیفه خود خارج و مرتکب جرم شده بود محکوم به مجازات کند و هم فردی را که در برابر این عمل مجرمانه تمکین نکرده و در رد و دفع آن مقاومت کرده بود، کیفر بدهد. بنابراین نظریه سومی تحت عنوان «نظریه مختلط» مطرح شده است. طرفداران نظریه مختلط که در رأس آنان، ایزامبر فرانسوی قرار دارد، معتقدند که مامور دولت باید در موقع اقدام، حتماً نوشته‌ای در دست داشته باشد ولو آنکه نوشته خلاف ترتیب قانونی صادر شده باشد. برای مثال اگر پاسبان با ادعای مأموریت برای جلب فرد، حکم جلب در دست داشته باشد ولو آنکه مقام صادر کننده آن از نظر قانونی، صالح در رسیدگی به اصل اتهام نباشد، شخص جلب شونده - به فرض عالم بودن به این امر - نمی‌تواند این نقص قانونی را مستمسک قرار داده، در برابر اجرای حکم جلب مقاومت یا حمله کند؛ چون پاسبان مکلف است به اجرای دستور مقام قضایی بوده، نمی‌تواند قانونی بودن احکام و دستورات مقامات قانونی را کنترل کند. اما چنانچه همین مامور بدون در دست داشتن حکم (دستور کتبی) جلب شخص درصدد دستگیری او برآید، مخاطب حق دارد در برابر این عمل، مقاومت و در حدودی که متناسب باشد، اعمال قوه کند. پر واضح است که این نظریه ناظر بر جرائم مشهود نیست؛ زیرا در آن موارد، پاسبان حق هرگونه اقدام و جلب را حتی بدون نوشته و حکم دارد.

۲- مفهوم تمرّد

تمرّد در لغت از ریشه (تَمَرُّ) به معنای سرپیچی کردن و نافرمانی بوده (معین، ۱۳۹۳: ۸۵)، تمرّد مصدر باب تفاعل و از نظر لغوی به معنای سرپیچی کردن، گردن‌کشی کردن و نافرمانی کردن آمده است و متمرّد یعنی سرکش، نافرمان و یاغی می‌باشد (عمید، ۱۳۷۷: ۱۱۲۷). تمرّد به هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی بطور تجری نسبت به مأمورین دولتی در حین انجام وظیفه آنها به عمل آید اصطلاحاً تمرّد می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۷۸). حمله و مقاومت، هر دو از مصادیق مخالفت عملی محسوب می‌شوند، یعنی فعل مثبت مادی هستند. بنابراین تمرّد، از نظر کیفیت وقوع، از جمله جرائم ناشی از فعل است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۹). در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۴ از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۱۸ در مورد تمرّد سخن به میان آمده است: ماده ۶۰۷ قانون مجازات عمومی هرگونه حمله یا مقاومت که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرّد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح زیر است:

(۱) هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال؛

(۲) هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال؛

(۳) در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره- اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد. نکته: صرف حمله یا مقاومت برای تحقق این جرم کافی نیست بلکه باید به فعلیت برسد قانونگذار برای توجیه مراد خویش حمله «با اقدام عملی بطور تجربی» را به دنبال کلمات خود آورده است تا فرق بین مبارزه منفی و تمرد قائل شود از طرفی جلوی سوء استفاده بعضی از مأمورین دولت از این عنوان قانون جلوگیری نماید تا نتواند هرکسی را با اندک بهانه بعنوان تمرد مورد تعقیب قرار دهند. به علاوه شرط مذکور هرگونه تردیدی را که ممکن است در مورد مجرمیت متهم حاصل شود از بین می‌برد؛ زیرا صدور فعل از جانب متهم سوء نیت او را برای تمرد نشان خواهد داد. حال که قانونگذار اقدام عملی را شرط تحقق این بزه دانسته است چنانچه شخصی حمله یا مقاومتی را در قالب الفاظ نسبت به مأمور دولت انجام دهد، عنوان تمرد نخواهد داشت مگر اینکه آن الفاظ و سکنت خود در قانون جنبه کیفری داشته باشد که براساس آن تعقیب خواهد شد (موضوع ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی).

مقنن کلمات حمله یا مقاومت را که به معنی سرکشی و عدم اطاعت و نافرمانی است برای بیان مفهوم تمرد استعمال کرده ولی آن را وافی به مقصود ندانسته است زیرا اطاعت نکردن از کسی تمرد نیست بلکه لازم است عملی که گستاخی و تجری شخص را نشان دهد از وی صادر شود بدین معنا که عمل متمرّد باید از روی گستاخی، سرپیچی و نافرمانی باشد و اقدام عملی او در حقیقت به خاطر شخصیت مأمور بودن طرف ۲۹ است که در حقیقت توهین و تجاوز به حکومت محسوب می‌شود.

نتایج تحقیق امینی‌نیک (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "تمرد نسبت به مأمورین دولتی در حقوق ایران" حاکی از آن است که تعریف کنونی جرم تمرد معرف جامع این بزه نبوده و تعریف موردنظر نه تنها موجبات سوءاستفاده افراد سودجو را فراهم می‌کند بلکه می‌تواند منجر به سوءاستفاده مأمورین دولتی از موقعیت قانونی‌شان گردد و به حقوق اجتماعی افراد لطمه وارد آورد. همچنین در تعریف فوق نوع وظیفه از این حیث که وظیفه حاکمیتی یا تصدی را شامل می‌شود؛ مشخص نیست. در نتیجه چنانچه قانونگذار در تعریف جرم تمرد از عبارت «با اقدام عملی» استفاده کند و نوع وظیفه را نیز مشخص کند و ماده را به این صورت بیان کند که «هرگونه حمله و مقاومتی که با علم و آگاهی و با اقدام عملی نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه حاکمیتی آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود» شایسته‌تر است.

محسنی (۱۳۷۷) در پژوهشی (تحت عنوان تمرد در حقوق کیفری ایران) به تفسیر ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) پرداخته است؛ به این وصف که مأمورین دولت، چنانچه در حدود وظایف محوله و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمال‌شان قانونی بوده و حمله یا مقاومت در برابر آنان در این حالت، تمرد محسوب می‌شود. اما اگر خارج از حدود وظایف محوله و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمال‌شان

غیرقانونی است که در این حالت از لحاظ حقوقی، در مورد مقاومت در برابر آنان اختلاف عقیده بسیار است. برخی معتقدند که مقاومت در برابر اینگونه اعمال غیرقانونی، بطورمطلق جایز است. در مقابل، بعضی عقیده دارند که هیچگونه مقاومتی در مقابل مأمورین دولت، حتی اگر عمل آنان خلاف قانون باشد، صحیح نیست. و عده‌ای راه میانه را برگزیده و بین موارد مختلف فرق می‌گذارند. قانون و رویه قضایی ایران، متمایل به قبول نظریه سوم است. در حقوق کیفری ایران، مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأمورین دولت، نه تنها تمرد به حساب نمی‌آید، بلکه در برخی موارد با جمع شرایطی، می‌تواند عنوان دفاع مشروع به خود گیرد. در موارد مربوط به تمرد تعریفی از مأمور دولت نشده است اما با توجه به مواد قانونی و همچنین از مراجعه به معنی عرفی این کلمات دانسته می‌شود که مأمور دولت مترادف با مستخدم دولت بلکه اعم از آنست. در نتیجه هر مستخدم رسمی و پیمانی و قراردادی موضوع مواد ۶ تا ۴ قانون استخدام کشوری را شامل می‌شود؛ بنابراین هرکس و به هر عنوان از ناحیه دولت عهده‌دار انجام وظیفه‌ای باشد اعم از مأمورین قضایی و غیرقضایی داخل در این مفهوم است.

ماده ۳۴ از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: «هر نظامی در ارتباط با خدمت در مقابل مأموران مسلح حین انجام وظیفه آنان بطور تجربی مقاومت یا به آنان حمله نماید متمرّد محسوب می‌شود». عناصر تمرد عبارتند از:

۳۰

۲-۱- عنصر مادی

(۱) مرتکب: هر شخص حقیقی که در مقابل مأمورین دولتی مقاومت و حمله از خود بروز می‌دهد؛
 (۲) رفتار مجرمانه: حمله و مقاومت در مقابل مأمورین دولتی که در مقام انجام وظیفه قانونی هستند می‌باشد، جرم تمرد در صورتی تحقق می‌یابد که مأمور در حین انجام وظیفه اداری مورد حمله یا مقاومت قرار گیرد و انجام وظیفه یا تمرد نیز رابطه داشته باشد (رأی شماره ۲۲۵۰ - ۱۳۱۸ / ۰۹ / ۰۳ دیوانعالی کشور) اگر تمرد در رابطه با انجام وظیفه اداری نباشد در اینصورت این عمل مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود. اگر شخص متمرّد در هنگام تمرد دست به اسلحه برد یا سلاح خود را به مأمور نشان دهد در اینصورت مجازات شدیدتری در حق او اعمال خواهد شد و کلمه اسلحه شامل اسلحه سرد و گرم می‌شود اما دیوانعالی کشور در رأی شماره ۲۶۵۷ - ۱۳۱۷ / ۰۱ / ۲۹ چاقو را اسلحه ندانسته است.

(۳) موضوع جرم: هرگونه حمله یا مقاومتی که در برابر مأمور دولتی که در حین انجام وظیفه اداری است صورت بگیرد و از کلمه حمله و مقاومت فهمیده می‌شود که تمرد باید ارتجالی باشد یعنی تمرد قبل از انجام وظیفه متصور نیست بلکه باید مأمور وظیفه خود را شروع کرده باشد و حمله یا مقاومت بعد از آن صورت بگیرد البته تشخیص زمان شروع وظیفه مأمور خیلی مهم است که در وظایف مختلف زمان شروع متفاوتی

وجود دارد، تمرد نسبت به مأمور دولت اعم از آن است که مأمور دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد یا اعمال تصدی ولی دیوانعالی کشور در رأی شماره ۳۰۹۶-۱۳۱۸/۱۲/۱۲ مقاومت و حمله در مقابل مأمور که تصدی-گری می‌کند را مضموم ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نمی‌داند، هرچند مأمورین شهرداری جزء مأموران دولتی می‌باشند ولی تمرد نسبت به مأموران شهرداری تابع قانون خاص می‌باشد و احکام ماده ۶۰۷ در مورد آنها جاری نیست، اگر حمله یا مقاومتی که در مقابل مأمورین صورت گرفته دفاع مشروع محسوب شود عنوان مجرمانه خود را از دست می‌دهد که ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی مقاومت در مقابل قوای تأمینی و انتظامی را دفاع محسوب نکرد، مگر اینکه مأمور از وظیفه خود خارج شده و یا بیم قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس در میان باشد که در این صورت دفاع مشروع محسوب خواهد شد البته برای تحقق این جرم مأمور دولتی نباید خود سبب حمله یا تحریک طرف مقابل شود که در اینصورت عنوان مجرمانه تمرد را نخواهد داشت همچنین اگر مأموری شبانه و در غیر موقع ضرورت وارد منزل دیگری شود مقاومت در مقابل وی را نمی‌توان مقاومت در مقابل مأمور دانست چون که از حدود قانونی خارج شده است (طبق رأی شماره ۹۰-۱۴/۱/۱۳۸۱ دیوانعالی کشور).

۴) نتیجه مجرمانه: به صرف تحقق حمله یا مقاومت با شرایط مذکور مثل اینکه مأمور در حین انجام وظیفه اداری باشد و تمرد در رابطه با وظیفه اداری مأمور باشد تمرد صورت می‌گیرد حالا این حمله یا مقاومت ۳۱ متمرّد مانع انجام وظیفه مأمور شده، نشده فرقی نمی‌کند.

۲-۲- عنصر معنوی

سوء نیت عام یا قصد فعل که فرد قصد ارتکاب عمل را دارد و می‌خواهد در مقابل مأمور که در حال انجام وظیفه است حمله یا مقاومت بکند. سوء نیت خاص که فرد با علم و آگاهی در مقابل مأمور دولتی تمرد می‌کند منظور از علم و آگاهی این است که مرتکب بداند که مأمور دولت در حین انجام وظیفه می‌باشد به عبارت دیگر منظور از علم و آگاهی علم موضوعی است بنابراین جهل به قانون رافع مسئولیت مرتکب نمی‌باشد لذا اگر مأموری در هنگام انجام وظیفه، حکم خود را ارائه ندهد و حمله یا مقاومتی صورت گیرد این عمل جرم نخواهد بود.

۲-۳- عنصر قانونی

طبق ماده ۶۰۷ ق.م.ا، هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

- مجازات قانونی برای متمرّد: هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد اما اگر متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد و در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود در ضمن اگر متمرّد در هنگام ترمّد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد (نجف‌پور، ۱۳۹۳: ۳).

۳- شرایط تحقق جرم ترمّد

ترمّد نسبت به ماموران دولت در ماده ۶۰۷ کتاب تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است که برای تحقق این جرم سه شرط ضروری است: ۱- حمله و مقاومت، با علم و آگاهی باشد؛ ۲- حمله و مقاومت نسبت به ماموران دولت باشد؛ ۳- حمله و مقاومت در حین انجام وظیفه ماموران دولتی باشد (گلدوزیان(ب)، ۱۳۹۳: ۵۵۴). جرم ترمّد نسبت به ماموران دولتی از آن دسته جرائمی است که با فعل مثبت مادی خارجی صورت می‌گیرد؛ یعنی مرتکب به صورت حمله یا مقاومت نسبت به مأمور عملی را انجام می‌دهد و ترک فعل عنصر مادی این جرم را تشکیل نمی‌دهد. قانونگذار اقدام عملی را شرط تحقق این بزه دانسته است چنانچه شخصی مخالفت خود را در قالب الفاظ نسبت به مأمور دولت انجام دهد، عنوان ترمّد نخواهد داشت مگر اینکه آن الفاظ و سکناات خود در قانون جنبه کیفری داشته باشد که براساس آن تعقیب خواهد شد (موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا)، اگر متمرّد در موقع ترمّد به ماموران اهانت یا آنان را تهدید کند یا آنان را مورد ضرب و جرح و ... قرار دهد، مجازات این جرائم را نیز باید تحمل کند (مالمیر، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

جرم ترمّد نسبت به ماموران دولت از جمله جرائمی است که وسیله در تحقق آن موثر نیست، لذا به هر طریقی که حمله یا مقاومت صورت گیرد جرم تحقق می‌یابد، با این حال مقنن وسیله را در تشدید مجازات موثر دانسته است. وسیله در ارتکاب جرم ترمّد به دو صورت است، ترمّد با اسلحه و بدون اسلحه که در میزان مجازات آن موثر است (بند ۲، ۱ و ۳ ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و بند الف و ب ماده ۵۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲). که البته قانونگذار در مواد ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ۵۲ قانون جرائم مجازات نیروهای مسلح تفاوتی بین سلاح سرد و گرم قائل نیست (باری، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

بطور کلی در مورد اعمالی که توسط ماموران دولت صورت می‌گیرد، سه فرض وجود دارد: فرض اول وقتی است که مامور دولت در حالت عادی و بدون آنکه در حال انجام وظیفه باشد مرتکب اعمالی شود که جرم است. در این حالت مامور دولت دارای خصوصیت و وجه تمایز نسبت به افراد دیگر نیست؛ بنابراین وقتی در حال انجام دادن وظیفه نباشد، صرف مامور دولت بودن، موجب برتری او نسبت به افراد عادی نمی‌شود، لذا مقاومت در برابر اعمال مجرمانه او مشروع است و نیاز به بحث مستقل ندارد. به عبارت

دیگر، مامور دولت وقتی در حال انجام وظیفه نباشد، همانند اشخاص عادی جامعه محسوب می‌شود و مقاومت در برابر اعمال وی همانند اشخاص عادی جامعه به حساب می‌آید و مقاومت در برابر اعمال غیرقانونی و نامشروع او، نه فقط تمرد نیست، بلکه با رعایت شرایط عمومی مذکور در قانون، دفاع مشروع به حساب می‌آید. حالت دوم وقتی است که مامور دولت در حال انجام وظیفه باشد و در حدود وظایف محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این حالت، اقدامات او قانونی است و چون در مقام اجرای دستور مقام مافوق است، حمله یا مقاومت در برابر اقدام وی مشروع نیست و تمرد محسوب می‌شود. در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز قانونگذاری می‌گوید: «مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود» (ماده ۱۵۷ ق. م. ا، مصوب سال ۱۳۹۲). حالت سوم زمانی است که مامور دولت در حال انجام وظیفه یعنی اجرای امر آمر قانونی باشد ولی خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این حالت، اعمال او غیرقانونی و قابل تعقیب و مجازات است. ماده ۱۵۷ ق. م. ا: «هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است» (سعیدی، ۱۳۹۴). در این صورت با رعایت شرایط دفاع مشروع، دفاع در مقابل آنان به صورت مقاومت یا حمله شامل مجازات تمرد مقرر در این ماده نمی‌شود (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ۴۱۲) و (ماده ۱۵۶ ق. م. ا). ۳۳

۴- مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت

در حقوق کیفری ایران در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، عنوان مجرمانه‌ای در نظر گرفته شده که در واژگان حقوقی «تمرد» نامیده شده است به قرینه کلمه «وظیفه» مندرج در هر دو ماده مذکور، جرم تمرد ناظر به حالتی است که مامور در حدود وظیفه قانونی محول اقدام می‌کرده و در آن حال مورد حمله یا مقاومت شخص مرتکب قرار گرفته است. بنابراین اگر اقدامات مامور، خارج از صلاحیت و وظیفه او بوده یا در اجرای آنها از حدود وظیفه قانونی خود خارج شده یا تشریفات مقرر را رعایت نکرده باشد، حمله یا مقاومت نسبت به او در این حالت جرم تمرد محسوب نخواهد شد؛ زیرا در این مقاومت نسبت به وی در حین انجام دادن آنها، جرم تمرد محسوب نمی‌شود مثل اینکه ضابط دادگستری در مقام اجرای قرار تأمین از حدود وظیفه خود خارج شده، اقدام به ضرب و جرح متهم کند؛ یا مامور کشف قاچاق رعایت ترتیبات مقرر در ماده ۱۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق (مصوب ۹ اسفند ۱۳۱۲) را نکند و بدون حضور نماینده دادگستری یا شبانه برای کشف کالای قاچاق وارد منزلی شود.

رویه قضایی و آرای محاکم تالی و دیوان عالی کشور و دکترین حقوقی در این موارد متفقاً بر عدم احراز و تحقق جرم ترمرد نظر داده‌اند شعبه ۵ دیوان عالی کشور در رای شماره ۲۷۶۳ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ چنین اظهار نظر کرده است: «وقتی که در نظر دادگاه ثابت شد مامور دولت برخلاف وظیفه رفتار کرده است، ترمرد یا مقاومت با او در آن موقع با این ماده (ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی قابل تطبیق نیست بنابراین پاسبانی که موقع شب و بدون اجازه برای کشف بزه وارد خانه کسی شده است ترمرد یا مقاومت با او، بزه تلقی نمی‌شود».

همچنین شعبه ۸ دیوان عالی کشور در رای شماره ۳۳۵۹ مورخ ۱۳۳۴/۱۲/۲۹ گفته است: «اگر ماموران شهربانی، در ساعت ۱۰ شب به منزل متهم به دایر کردن شیره‌کش خانه وارد شده باشند و در پرونده، اشعاری به اینکه موجبات قانونی برای ورود در شب بالاخص دستور ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق رعایت شده، نداشته باشد، در این صورت که برای ورود در منزل اشکال قانونی وجود داشته اصولاً تکلیف و وظیفه‌ای برای ماموران نمی‌توان قائل شد تا متهم طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی قابل مجازات تشخیص گردد». بنابراین برای آنکه اقدامات ماموران دولت محترم بوده، آنها از حمایت ویژه قانون - در مقایسه با سایر افراد - برخوردار شوند، لازم است که ضمن رعایت ترتیبات مقرر در حدود وظایفی که به موجب قوانین و مقررات از سوی دولت به عهده آنان گذاشته شده، عمل کنند و حدود صلاحیت و اختیارات خود خارج نشوند؛ چه در غیر این صورت علاوه بر اینکه به همین دلیل مسئولیت کیفری و مدنی خواهند داشت، دفاع در مقابل اقدامات آنها مشروع خواهد بود کسی که مورد تجاوز قرار گرفته است می‌تواند از خود دفاع کند. به هر حال، توجه به این نکته حائز اهمیت است که صرف اثبات غیرقانونی بودن دستور یا حکمی که از مراجع صالح و با ظاهر قانونی صادر شده و در حدود مقررات، ماموران مکلف به اجرای آن بوده‌اند، جواز مقاومت نخواهد بود. برای مثال، اگر در مقابل پاسبان یا مامور اجرای دادگستری که دستور جلب صادر شده از سوی مقام قضایی یا قرار تامین خواسته دادگاه را اجرا می‌کند به دستاویز اینکه مقام صادر کننده، حق جلب نداشته یا قرار دادگاه، خلاف قانون صادر شده است مقاومت شود، این اقدام ترمرد است؛ هرچند ثابت شود که دستور جلب یا قرار دادگاه خلاف قانون بوده است، زیرا ضابطان و ماموران اجرا، مکلف به انجام دادن دستور مقام قضایی و قرار دادگاه بوده‌اند و نمی‌توانند قانونی بودن احکام و دستورات مقامات قانونی را کنترل کنند. این معنا از مفاد ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و توجه به کلمه «وظیفه» مندرج در آن و مقررات مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون مذکور نیز قابل استنباط است. بنابراین قانون و رویه قضایی ایران، متمایل به نظریه مختلط است در حقوق کیفری ایران، مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی ماموران دولت، نه فقط جرم ترمرد نیست، بلکه در برخی موارد با جمع شرایطی می‌تواند عنوان دفاع مشروع به خود بگیرد که در این صورت شخص، مرتکب می‌تواند حتی ضمن مقاومت در برابر مامور، در

حدودی که متناسب با اقدامات تجاوزکارانه مأمور باشد، اعمال قوه قضائیه این معنا، از مفاد ماده ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی استنباط می‌شود.

بطور کلی مأموران دولت، ماهیتاً دارای خصوصیت و وجه تمایز نسبت به افراد دیگر نیستند بلکه صرفاً به اعتبار انجام دادن وظیفه برای دولت از سایر اشخاص متمایزاند. بنابراین اگر مأموران دولت در حال انجام دادن وظیفه نباشند یا اعمالی که مرتکب می‌شوند ارتباطی با وظایف آنان نداشته باشد صرف مأمور دولت بودن وجه امتیازی نسبت به افراد عادی برای آنان ایجاد نمی‌کند. لذا بررسی مقاومت در برابر اعمال آنان در این حالت، نیاز به بحث مستقلی ندارد. به عبارت دیگر، مأموران دولت وقتی در حال انجام دادن وظیفه نباشند، همانند اشخاص عادی جامعه محسوب می‌شوند. بنابراین عبارت «ولو اینکه از مأموران دولتی صادر گردد» مذکور در ماده مورد بحث را باید ناظر به مواردی دانست که ارتکاب جرم از طرف مأمور دولتی در حین انجام وظیفه باشد به همین سبب، بهتر بود که قانونگذار در متن ماده به این مطلب اشاره می‌کرد با قبول مقدمه بالا، ارتکاب جرم از طرف مأمور دولت در حین انجام دادن وظیفه نیز به چندان صورت متصور است:

اول اینکه مأمور برای انجام دادن وظیفه قانونی خود، در حدود مقررات الزاماً مرتکب عمل ظاهراً مجرمانه‌ای شود در این حالت چون به موجب ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی مجرم محسوب نمی‌گردد، اقدام وی خلاف قانون و ناحق حکم ماده ۶۰۷ قانون مذکور، مصداق جرم تمرد است؛ چون مأمور دولت در این حالت، علیرغم ۳۵ ارتکاب عمل ظاهراً مجرمانه، در حال انجام دادن وظیفه محسوب می‌شود برای مثال اگر مأموری که برگ جلب متهمی را در دست دارد وقتی می‌خواهد او را جلب کند، با مقاومت وی روبرو شود، چون مأمور باید وظیفه‌ای را که به محول شده به هر ترتیب انجام دهد، هرگز نخواهد توانست به اتکای عدم تمکین متهم، از اقدام به جلب و انجام دستور مقام قضایی که وظیفه او است، شانه خالی کند و نتیجه خواه ناخواه ناگزیر می‌شود که شدت عمل به خرج دهد و در صورت لزوم، مرتکب اعمالی شود که در غیر این حالت واجد عنوان مجرمانه می‌گردد متهم را به زور به جلو براند یا تهدید کند یا حتی به قدر نیاز مضروب کند که در این حالت باتوجه به بند دوم ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، مجرم محسوب نمی‌شود اما به هر حال در اجرای این بند و انطباق آن در عمل، کمال دقت و نکته‌سنجی ضروری است. لزوم یا عدم لزوم اقدام به یک عمل ظاهراً مجرمانه برای اجرای قانون اهم، امری است که تشخیص آن با قاضی ذیربط است و به نهایت درجه هوشیاری و شم قضایی احتیاج دارد. دوم اینکه ارتکاب جرم از طرف مأمور به واسطه امر قانونی واقع شود و خلاف شرع هم نباشد. در این حالت هم به موجب بند اول ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی، مأمور مجرم محسوب نمی‌گردد و لذا مقاومت در برابر او جنبه قانونی ندارد و تمرد محسوب می‌شود؛ مگر آنکه خلاف قانون و نادر بودن عمل ارتكابی (امر آمر) به حدی آشکار و علنی باشد که تشخیص آن بر ناظری از جمله شخص مورد

حمله، ممکن بوده و به علاوه خطر ناشی از آن، غیرقابل جبران باشد. سوم اینکه مامور در حین انجام دادن وظیفه، اما در حالتی که قانونی و ضروری نیست یا مافوق آن را دستور نداده است، مرتکب جرم شود در این حالت مقاومت در برابر عمل ارتكابی او با رعایت شرایط دفاع مشروع برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز است و جرم ترمرد محسوب نمی‌شود. نکته قابل توجه دیگر در این ماده استعمال عبارت «جایز خواهد بود» است که بیش از آنکه مبین مفهوم عدم مسئولیت مامور و در نتیجه عدم مجازات باشد، به معنای مشروع بودن عمل او است و لذا بر عبارت مذکور در ماده ۱۵۷ «مرتکب مجازات نمی‌شود» مزیت دارد. در قانون مجازات اسلامی اصل را عدم مشروعیت مقاومت در برابر این دسته از ماموران دولت دانسته و استثنای آن را مشروط به دو شرط زیر کرده است:

(۱) خروج از حدود وظیفه؛

(۲) اینکه برحسب ادله و قرائن موجود، خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد.

وضع این ماده نیز ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا از حیث اجرای اعمال و اقدامات موافق و مخالف قانون، هیچ فرقی بین ماموران دولتی وجود ندارد و مقاومت در برابر هر مامور دولتی اگر از حدود وظیفه خارج نشده باشد و مخصوصاً اگر بیم تجاوز به نفس یا عرض یا مال نرود، مشروع نیست. تصریح به این مطلب، بخصوص باتوجه به حکم کلی ماده ۱۵۷ ممکن است این شبهه را ایجاد کند که دفاع در برابر سایر ماموران دولتی، حتی اگر از حدود وظیفه خارج نشده باشند و بیم تجاوز هم نرود، مجاز است که بی‌تردید چنین استنتاج نادرستی نه از لحاظ اصول حقوقی، صحیح شمرده می‌شود نه مورد نظر قانونگذار است و همانطور که قبلاً بیان شده ماده ۱۵۷ ناظر به حالتی است که ماموران دولتی از حدود وظیفه خود خارج شده باشند و اعمال آن جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب شود برطبق ماده ۱۵۷ یکی از شرایط مشروعیت دفاع چه در برابر اشخاص عادی و چه در برابر ماموران دولت این است که خوف برای نفس یا عرض یا مال مستند به قرائن معقول باشد. بنابراین باتوجه به ماده ۱۵۶ و ۱۵۷ بطور کلی مشروعیت مقاومت در برابر ماموران دولتی - چه نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری و چه غیر آنان - مشروط به: «خروج از حدود وظیفه، و اینکه برحسب ادله و قرائن معقول خوف آن باشد که اعمال آنان، موجب تجاوز بر نفس یا عرض یا مال گردد» شده است و لذا تصریح به این مطلب آن هم به شکلی خاص و فقط در مورد نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، لزومی نداشت. با وجود این در صورت قبول لزوم تصریح به این مطلب و وضع حکم خاص در مورد نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری، باز هم حکم ماده ۱۵۷ خالی از اشکال نیست؛ زیرا از تلفیق دو شرط لازم برای جواز مقاومت در برابر ماموران مذکور، این نتیجه به دست می‌آید که اگر نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری از حدود وظیفه خود خارج شوند و برحسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان

موجب ضرب یا هر تجاوز دیگر غیر از قتل و جرح و تعرض به عرض یا مال گردد، باز هم تفاوت در برابر آنان نامشروع است؛ در حالیکه چنین حکمی، صحیح و منطبق با موازین مسلم حقوقی و اصول عدالت اجتماعی نیست. بطور کلی وقتی یک مأمور، از جمله مأمور نیروی انتظامی یا هریک از ضابطان دیگر دادگستری، از حدود وظیفه خود خارج شد، مقاومت در برابر هر جرمی که مرتکب شود، جایز است و تخصیص آن به موارد معین، منطقی به نظر نمی‌رسد و برعکس، هر مأموری که در حدود وظیفه خود، یعنی به حکم قانونی برای اجرای قانون اهم یا به امر قانونی، مرتکب عمل ظاهراً مجرمانه‌ای شود، چون عمل او به حق و مشروع است، نه فقط مقاومت در برابرش نمی‌تواند عنوان دفاع مشروع داشته باشد، بلکه جرم ترمرد محسوب می‌شود. گذشته از مطلب فوق، وقتی قانونگذار مقاومت در برابر مأموران مذکور را برای جلوگیری از تعرض به مال - هر چند ارزش آن اندک باشد - جایز می‌داند، اطلاق عدم جواز از مقاومت در برابر آنان برای جلوگیری از ضرب و سایر تجاوزها، غیر قتل و جرح و تعرض به عرض یا مال غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

به این ترتیب می‌توان گفت که عموم ماده ماده ۱۵۷ از نظر جواز مطلق مقاومت در برابر مأموران دولت به خصوص از باب عدم جواز مقاومت در برابر نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری و استثنای این ماده از نظر موارد مشروعیت مقاومت در برابر مأموران مذکور، جملگی قابل انتقاد است و اساساً وضع این مقررات نه فقط مشکلی را حل نکرده بلکه بحث جواز یا عدم جواز مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و ۳۷ غیرقانونی مأموران دولت را به شکل نادرست و پیچیده درآورده است. نکته دیگر اینکه باتوجه به نص صریح ماده ۱۵۷ (... در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود، با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی‌شود...) و اطلاق ماده ۱۵۷ و ۱۵۶ مقاومت در برابر هر مأمور دولت که خارج از حدود وظیفه و صلاحیت و اختیارات خود عمل می‌کند برای دفاع از نفس یا عرض یا مال دیگری، در صورت جمع شرایط عمومی دفاع و شرایط اختصاصی که برای جواز مقاومت در برابر مأموران دولتی ضرورت دارد، نیز جایز است؛ با این تفاوت که به موجب ماده ۱۵۶ دفاع از مال غیر در صورتی مشروع است که حفاظت از مال غیر، به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد کند (محسنی، ۱۳۷۷: ۸۵).

۵- ترمرد نظامیان

از مروری در ماه ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران معلوم می‌شود که در هر دو ماده سخن از حمله یا مقاومت نسبت به مأمورین دولت به میان آمده و این را جرم دانسته است لکن با مقایسه این دو ماه وجه افتراق آنها روشن می‌شود.

مقایسه ماده ۶۰۷ و ۳۴:

۵-۱- وجه افتراق

۱) ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی راجع به تمرد نظامیان و غیرنظامیان است اما ماده ۳۴ تنها شامل تمرد نظامیان می‌شود. بیان مطلب اینکه باتوجه به دو ماده مذکور می‌توان پنج حالت برای جرم تمرد فرض نمود که تنها یک مورد آن شامل ماده ۳۴ می‌شود:

حالت اول: تمرد غیرنظامیان نسبت به مامورین مسلح؛

حالت دوم: تمرد غیرنظامیان نسبت به مامورین غیرمسلح؛

حالت سوم: تمرد نظامیان نسبت به ماموران غیرمسلح؛

حالت چهارم: تمرد نظامیان در ارتباط با غیر خدمت نسبت به ماموران مسلح؛

حالت پنجم: تمرد نظامیان در ارتباط با خدمت نسبت به ماموران مسلح.

حالت اول تا چهارم شامل ماده ۶۰۷ ق.ت است و تنها حالت اخیر شامل ماده ۳۴ می‌باشد در نتیجه ماده ۶۰۷ عام و ماده ۳۴ خاص می‌باشد و در اینجا خاص مختص عام است.

۲) تمرد موضوع ماده ۳۴ تنها نسبت به ماموران مسلح مصداق دارد برخلاف تمرد موضوع ماده ۶۰۷ که نسبت به ماموران مسلح و غیرمسلح می‌باشد به عبارت دیگر مجنی علیه موضوع ماده ۳۴ ماموران مسلح و مجنی علیه موضوع ماده ۶۰۷ هم ماموران مسلح و هم ماموران غیرمسلح هستند.

۳) در ماده ۳۴ قید اقدام عملی برای تحقق بزه ضرورت ندارد برخلاف ماده ۶۰۷ ق.ت. و این نحوه قانونگذاری باعث می‌شود که حقوق متهمین کمتر رعایت شود چراکه ماموران مسلح با کمترین بهانه می‌توانند نظامیان را مورد اتهام قرار دهند از طرفی اثبات سوء نیت مرتکب قدری مشکل‌تر خواهد بود.

۴) از نظر مجازات

الف) چنانچه تمرد با اسلحه صورت گرفته باشد براساس ماده ۶۰۷ مجازات آن یک تا ۳ سال می‌باشد اما براساس ماده ۳۴ مجازات آن از ۲ تا ۸ سال است.

ب) چنانچه تمرد بدون اسلحه صورت گرفته باشد براساس ماده ۶۰۷ مجازات آن ۳ ماه تا یک سال است، اما براساس ماده ۳۴ مجازات آن از ۶ ماه تا ۹ سال می‌باشد.

۵) از نظر صلاحیت

رسیدگی به جرم موضوع ماده ۳۴ براساس ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح دادگاه‌های نظامی می‌باشند. اما رسیدگی به جرم موضوع ماده ۶۰۷ برعهده دادگاه‌های عمومی است.

با تفاوت‌هایی که برای مواد ۳۴ و ۶۰۷ بیان نمودیم می‌توان تمرد نظامیان موضوع ماده ۳۴ را به این صورت تعریف نمود: «هر نظامی در ارتباط با خدمت در مقابل مأموران مسلح حین انجام وظیفه آنان بطور تجری مقاومت یا به آنان حمله نماید متمرّد محسوب می‌شود».

۵-۲- وجه تشابه

به جزء مواردی که در مورد تفاوت ماده ۳۴ و ۶۰۷ بیان نمودیم در بقیه جهات این دو ماده با هم شباهت دارند که توضیح مکرر آنها در اینجا ضرورت ندارد (امینی نیک، ۱۳۸۷: ۶۹).

۶- معافیت از کیفر در جرم توهین به مأموران دولتی در حین انجام وظیفه

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل چهارم از بخش دوم از کتاب اول در ماده ۳۹ اشعار می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود. در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند». این ماده معاذیر قضایی معاف کننده را بیان می‌کند و می‌توان گفت که در قانون سال ۱۳۷۰ سابقه نداشته است (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ۱۳۴). اثر معافیت قضایی زوال مجازات است و هیچگونه اثر تبعی بر آن مترتب نیست (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۷). قانونگذار با ایجاد این تأسیس، اختیار قاضی را برای بازگشت مجرم به جامعه را در جرائم کم‌اهمیت (درجه ۷ و ۸) وسیع نموده و تعیین کرده است که در صورت احراز شرایط توسط قاضی فرد مرتکب را از کیفر معاف کند. شرایط معافیت از کیفر براساس ماده ۳۹ قانون مجازات اسلام مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل می‌باشند:

۱) وجود جرم تعزیری درجه هفت و هشت که این جرائم براساس تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون فوق‌الذکر از جرائم تعزیری منصوص شرعی نباشد. بنابراین معافیت از کیفر براساس معاذیر قضایی فقط در مورد تعزیرات غیرمنصوص شرعی و درجه‌های هفت و هشت امکانپذیر می‌باشد؛

۲) احراز جهات مندرج در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛

۳) احراز مجرمیت از سوی دادگاه؛

ماده ۳۹ قانون فوق تنها مجرمیت را احراز و فرد را از مجازات معاف کرده است. این مورد به محکومانی که براساس حکم دادگاه بدوی یا احکام قطعیت یافته محاکم تجدیدنظر به مجازاتی محکوم می‌شوند و پس از طی تشریفات توسط رئیس قوه قضائیه پیشنهاد عفو آنان به مقام معظم رهبری داده می‌شود و آن مقام با تسجیل عفو، محکومان را از مجازات مقرر در دادنامه معاف می‌کند، تعارضی ندارد، زیرا در حکم مقرر در

ماده ۳۹ دادگاه فقط مجرمیت را احراز و فرد را از مجازات معاف کرده است، در حالیکه در شرایط مقرر در عفو، مجرم باید محکوم به مجازات شود تا در محدوده شمول اصل ۱۱۰ قانون اساسی قرار گیرد.

۴) دادگاه تشخیص می‌دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود؛

۵) فقدان سابقه کیفری موثر در مورد جرائم قبلی مرتکب.

اگر مجرمی که می‌خواهد از این معافیت استفاده نماید، نباید به مجازات‌های تبعی مندرج در ماده ۲۵ قانون موصوف محکوم شده باشد. حال اگر فردی در جرائمی که قبلاً انجام داده به مجازات‌های تبعی مندرج در ماده ۲۵ محکوم شده ولی مدت‌های مذکور در ماده را سپری کرده و به اعاده حیثیت رسیده باشد، به نظر می‌رسد که این فرد مشمول ماده می‌شود و فاقد سابقه محکومیت کیفری موثر تلقی می‌شود و در نتیجه می‌تواند از معافیت مذکور در این ماده در صورت حصول سایر شرایط استفاده نماید.

۶) گذشت شاکی در جرائم غیرقابل گذشت؛

۷) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن (شمس ناتری، پیشین: ۱۳۴).

قانونگذار عنوان "تمرد نسبت به مأمورات دولتی" را در فصل چهاردهم از کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در ماده ۶۰۷ بیان داشته است که حسب مورد براساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درجه ۶ و یا ۵ محسوب که شمول ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی قرار نگرفته و عنوان "توهین به مأموران دولتی در حین انجام وظیفه" را در فصل پانزدهم از کتاب موصوف در ماده ۶۰۹ بیان نموده است و این دو عنوان مجرمانه را مجزا از یکدیگر قرار داده است و می‌تواند شمول ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ایران واقع گردد. باتوجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حرکتی رو به جلو داشته است و اقدام به تأسیس عناوین حقوقی نموده است که پیش‌تر در قانون مجازات اسلامی سابقه نداشته است. یکی از این تأسیسات تحت عنوان معافیت از کیفر می‌باشد. البته در مجازات‌های درجه هفت و هشت و در جرائم کم اهمیت که توسط مجرم در جامعه صورت گرفته است، اعمال می‌گردد و به نظر می‌رسد هدف از آن تلاش برای بازپروری، اصلاح مجرم و بازگشت به جامعه می‌باشد، تا مجازات مرتکب.

باتوجه به تبصره ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که بیان می‌کند: «اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد». علیرغم اینکه مجازات جرم تمرد باتوجه به نوع و نحوه ارتکاب آن در ماده ۶۰۷ که بین نشان دادن اسلحه به قصد تهدید و دست به اسلحه بردن در جرم تمرد و سایر حالات تمرد تفکیک نموده است و به ترتیب شمول درجه ۶، ۵ براساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌شود، در نحوه محاسبه تعدد جرم قاعده خاص برای آن تعریف نموده و بیان داشته که به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۸۴).

نتیجه‌گیری

به موجب قانون مجازات اسلامی هرگونه حمله یا مقاومتی که نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود. جرم تمرد در دسته‌بندی جرائم در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی طبقه‌بندی می‌شود. این جرم از طرف اشخاص عادی نسبت به مأمورین دولتی یا اشخاص نظامی نسبت به مأموران نظامی در حال انجام وظیفه قانونی آنان قابل تحقق است. همچنین این جرم از طرف کارمندان دولت نسبت به مافوق آنها نیز قابل تصور است. جرم تمرد بطور جداگانه هم در قانون مجازات اسلامی و هم در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده است. در قانون مجازات اسلامی را تمرد عمومی و تمرد در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح را تمرد نظامی می‌نامند.

یکی از شرایط اساسی لازم برای تحقق این جرم در حال انجام وظیفه بودن مأمور دولت است مأموران مذکور چنانچه در حدود وظایف محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند اعمال‌شان قانونی است و حمله به آنها یا مقاومت در برابر آنان در این حالت تمرد محسوب می‌شود اگر خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند اعمال‌شان غیرقانونی است در این فرض در مورد مقاومت در برابر آنها اختلاف عقیده بسیار است، برخی معتقدند که مقاومت در برابر اینگونه اعمال قانونی بطور مطلق جایز است و در مقابل بعضی عقیده دارند که هیچگونه مقاومتی در مقابل مأموران دولت حتی اگر عمل آنان خلاف قانون باشد ۴۱ صحیح نیست عده‌ای نیز راه میانه را برگزیده بین موارد مختلف فرق قائل شده‌اند و به نظر می‌رسد قانون و رویه قضایی ایران متمایل به نظریه سوم است در حقوق کیفری ایران مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت نه فقط تمرد به حساب نمی‌آید بلکه در برخی موارد با جمع شرایط عنوان دفاع مشروط پیدا کرده است. با تامل در ماهیت حمله یا مقاومت می‌توان گفت که مراد از حمله مذکور در موارد مربوط به تمرد تنها حمله مادی است؛ بنابراین بکارگیری الفاظ با هر مفهومی حتی اگر توهین یا حمله لفظی تعبیر شود از شمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح خارج است. منظور از مقاومت در مواد مربوط به تمرد ارتکاب فعل مثبت مادی (نه ترک فعل) با قصد مقابله با انجام وظیفه مأمور دولتی است. پنهان شدن یا فرار از دست مأمور دولت در حین انجام وظیفه اطاعت نکردن از دستور او باتوجه به اینکه آنها نه از مصادیق حمله هستند و نه داخل در مفهوم مقاومت، تمرد محسوب نمی‌شوند. در واقع وقتی مأمور دولتی، خارج از حدود وظیفه و صلاحیت و اختیارات خود عمل می‌کند، اعمال‌ش غیرقانونی است و لذا مقاومت در برابر او مصداق جرم تمرد تلقی نمی‌شود؛ اما اینطور هم نیست که لزوماً مشروع به حساب آید، بلکه برحسب وجود یا عدم وجود شرایط لازم برای مشروعیت دفاع - اعم از شرایط عمومی دفاع و شرایط اختصاصی که برای جواز مقاومت در برابر مأموران دولت لازم است -

ممکن است دفاع مشروع محسوب بشود یا نشود. اما در صورتی که دفاع مشروع به حساب نیاید، در برخی موارد مشمول عنوان مجرمانه دیگری غیر از ترمرد قرار گیرد. همچنین از آنجا که ترمرد با استفاده از ابزار یا آلات، خطرناک‌تر از ترمرد بدون آنها است پیشنهاد می‌شود جدا بر تشدید مجازات کسانی که از سلاح در ارتکاب جرم ترمرد استفاده می‌کنند مجازات کسانی که از ابزار یا آلات برای ارتکاب این جرم استفاده می‌کنند بیشتر از کسانی باشد که از این ابزار یا آلات استفاده نمی‌کنند؛ لذا شایسته است زیر یکی از بندهای ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی عبارتی از قبیل شش ماه تا دو سال حبس ذکر شود.

فهرست منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۳، چ ۹، تهران: نشر میزان.
- ۲- امینی‌نیک، مریم (۱۳۸۷)، «ترمرد نسبت به مأمورین دولتی در حقوق کیفری ایران»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه قم.
- ۳- باری، مجتبی (۱۳۸۳)، **حقوق جزای نظامی**، تهران: انتشارات میثاق عدالت.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، **ترمینولوژی حقوق**، چ ۲۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۵- سعیدی، صلاح‌الدین (۱۳۹۴)، «ترمرد از دستور مافوق»، <http://saidiadl.mihanblog.com> ۴۲
- ۶- شاکری، ابوالحسن و رستگاری، ماندانا (۱۳۹۲)، «بررسی جرم ترمرد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس»، **فصلنامه دانش انتظامی**، س ۱۶، ش ۱.
- ۷- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، ج ۱، چ ۲، تهران: نشر میزان.
- ۸- عمید، حسن (۱۳۷۷)، **فرهنگ عمید**، چ ۱۲، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، **قواعد عمومی قراردادها**، چ ۸، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- ۱۰- گلدوزیان (الف)، ایرج (۱۳۸۵)، **حقوق جزای اختصاصی**، ج ۲، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- گلدوزیان (ب)، ایرج (۱۳۹۳)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات مجد.
- ۱۲- مالمیر، محمود (۱۳۸۳)، **شرح قانون مجازات نیروهای مسلح**، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۱۳- محسنی، محمد حسین (۱۳۷۷)، «ترمرد در حقوق کیفری ایران»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- معین، محمد (۱۳۹۳)، **فرهنگ فارسی**، چ ۲۷، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- نجف‌پور، محسن (۱۳۹۳)، **ترمرد نسبت به مأمورین دولتی**، قم: پژوهشکده باقرالعلوم